

بررسی نقوش پارچه‌های گورکانی

هدی روح‌اللهی ساروکلائی^۱

کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

چکیده

پارچه بافی کاربردهای فراوانی در میان تمامی اقشار جامعه دارد و یکی از پیشروترین و گسترده‌ترین صنایع در بین کشورهای مسلمان، از جمله ایران و هند به شمار می‌رود. این دو کشور با داشتن ارتباط فرهنگی و هنری در سده‌های گذشته، تأثیرات بسیاری در هنرهای مختلف به ویژه هنر پارچه بافی بر یکدیگر داشته‌اند. در این پژوهش هنر پارچه بافی تمدن مغولی هند (گورکانی) بررسی گردیده است. محور اصلی این پژوهش، طرح‌ها و نقوش‌های بافته شده در پارچه‌های گورکانی است. بر همین اساس ابتدا ویژگی و شیوه‌های پارچه بافی گورکانی بررسی و سپس با دسته‌بندی طرح‌ها و نقوش بافته شده به سه گروه نقوش گیاهی، انسانی، حیوانی به دست آمده از پارچه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پارچه بافی، گیاهی، انسانی، حیوانی، گورکانی

^۱ نویسنده مسئول: hoda1032h@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۴

تولید منسوجات نفیس، در شبه قاره ی هند سابقه ای طولانی دارد. اگرچه به دلیل شرایط آب و هوایی خاص، تعداد قطعات اندکی از پارچه های قدیمی در آن جا باقی مانده است، اما همین تعداد اندک، در کنار یافته های باستان شناسی و اسناد مکتوب، محققان را به شناخت تاریخ نساجی هند هدایت میکند از قدیمی ترین منسوجات هندی یگ قطعه پارچه ی پنبه ای مربوط به هزاره ی سوم قبل از میلاد است که از موهنجو دارو به دست آمده است. این پارچه با دوناس و دندانهای زاج رنگ شده و نشان دهنده ی پیشرفت نساجی و رنگرزی پارچه در آن زمان است. به دست آوردن ابزار دیگر مانند دوک نخ ریزی، احتمال بافت پارچه با دستگاههای چوبی را در این منطقه افزایش می دهد و وجود سوزن های برنزی هم می تواند دلیلی بر وجود هنر تزئین پارچه با روددووزی آن باشد. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که مردم این منطقه در هزاره های قبل از میلاد پارچه می بافتند و سطح آن را تزئین می کردند. در دوره گورکانی، هنر تحت حمایت پادشاهان، در هند شکوفا شد و صنعتگران هندی در زمینه های گوناگون هنری و فرهنگی از ایران پیروی می کردند. این موضوع با مهاجرت تعدادی از هنرمندان و صنعتگران ایرانی به هند، در پی حامیان جدید، رونق بیشتری گرفت. در دوره ساسانی صحنه های شکار، تصاویر حیوانات، باغ های بهشتی، درختان و پرندگان بر روی منسوجات ایرانی نقش می شد که این نقوش و تصاویر در دربار گورکانیان هند هم رواج یافته بود. این دو همسایه بزرگ شرقی با سابقه دیرین تمدنی و مشترکات دینی اسلام، به تبادلات عظیم فرهنگی و هنری پرداخته اند. امروزه در هند صنایع دستی به ویژه نساجی هند در جهان بسیار معروف است و به دلیل تنوع محصولات، مشتاقان زیادی دارد. پارچه بافی و روش های تزئین آن در هند موضوع جالبی است و هند یکی از غنی ترین کشورها در زمینه تولید و تزئین پارچه به شمار می رود. در ابتدای سلطنت گورکانیان، همایون شاه توانست بر هند حکومت کند و به دربار ایران پناهنده شد او در ایران با تعدادی نقاش، طراح پارچه و صنعتگر که تحت حمایت مستقیم شاه ایران بودند آشنا شد و هنگام بازگشت به هند تعداد زیادی از هنرمندان ایرانی را با خود به دربار هند برد. به این ترتیب سلسله گورکانیان هند تحت نفوذ فرهنگ ایرانی قرار گرفت و بتدریج این تاثیر در شبه قاره هند گسترده تر شد.

مبانی نظری

- هنر و صنعت نساجی هند (گورکانیان)

سلسله گورکانیان هند با پادشاهی با براز سال ۱۵۲۶ میلادی آغاز گردید، آن ها پادشاهانی ترک تبار و از نوادگان تیموریان بودند که حمایت گسترده ای از هنر و فرهنگ دوران خود نمودند. پناه همایون به دربار ایران و تغییر مشی شاه تهماسب در حمایت از نگارگری ایرانی مقدر ساخت تا برگی دیگر از کتاب آرایه جهان اسلام این بار در هنر رقم خورد و یکی از اوج های درخشان نگارگری اسلامی با نظارت نگارگری ایرانی پایه ریزی شد. در زمان اکبرشاه، جهانگیر و شاه جهان روابط هنری ایران و هنر گسترده بود و پایان حکومت اورنگ زیب نیز همانا به توقف هنر مغولی انجامید. در نتیجه نگارگری در دوره گورکانی هنر تاثیر به سزایی در طراحی نقوش پارچه ها داشته است. اکبر شاه که به دلیل تبعید پدرش همایون به ایران دوران نوجوانی خود را در دربار ایران گذراند، پس از رسیدن به فرمانروایی به توسعه کارگاههای سلطنتی پرداخت و دستگاه های پیچیده تری را در ایران رایج بود، برای بافت ابریشم زربفت به همراه استادان این فن به هند آورد تا به عنوان مربی و ناظر، شیوه های جدید را به بافندگان هندی بیاموزد (Horris, 1993: 110). اکبر شاه توانست کارگاه های بزرگ درباری را گسترش دهد. او از موقعیت صنایع در دیگر کشورها آگاه بود و از این رو از آثار استادان شهید بافنده ایرانی نیز برخوردار بود (Gillow and Barnard, 1996: 12)

منسوجات، به ویژه نمونه های فاخر و مجلل نقش مهمی در نمایش شکوه و جلال شاهان سلسله گورکانی داشته اند. خیمه های باشکوه یکی از جالب ترین موارد استفاده پارچه ها بوده است. پارچه های شال با بافت کجراه تهیه می شدند و شیوه نقش اندازی در حین بافت نیز در آن جا بر روی پارچه های مخمل ورزی دیده می شود. ابوالفضل علامی^۱ به علاقه وافر اکبرشاه به انواع منسوجات نیز اشاره کرده است و این خود دلیل بر وفور انواع بافته های ایرانی، اروپایی و غیره در کشور است. در ضمن تمایل به منسوجات، باعث جذب هنرمندان بسیاری شد که سبک پیشرفته بافندگی کشور خویش را به مردم می آموختند. در زمان وی بافت پشم و کرک و ابریشم بافی به نحوی پیشرفت کرد که کارگاه های سلطنتی آگرا، فاتح پور، احمدآباد و لاهور می توانست انواع بافته های دیگر کشورها را تولید کنند (Dhamija and Jain, 1989: 65)

چیت یکی از مشهورترین منسوجات صنایع پارچه بافی جنوب شرقی هند است که از پارچه های نخی و نقاشی، یا چاپ شده گلکنده تولید می شد. اولین نمونه های صادراتی آن به اروپا شامل تصاویر پیکره های انسانی اعم از هندی و بعدها اروپایی بود. در دوره سلاطین بزرگ بابر بسیاری از اشکال هنر ایران، از جمله طرح ها و نقوش بافته های دوره صفوی و ساسانی در هند رواج یافت. منسوجات مغولی زیرنظر دربار بافته می شد و طرح ها و نقوش آن «ها ترکیبی از نقوش ایرانی و هندی بود و تولید پارچه های مخمل با نقش های گل و گیاه طبیعی رواج داشت. افزون بر شیوه های بافت منقوش رنگ آمیزی پارچه در هند از سابقه طولانی برخوردار بود. پارچه ها به دو طریق تزیین می شد. یکی قلم کاری و دیگری رنگرزی و نقاشی که این روش در زمان گورکانیان به منتهای درجه ترقی خود رسید. (دیماند، ۱۳۶۵: ۳۵۵).

با وجود این که هند از گذشته با عنوان مرکز تولید منسوجات نفیس معروف بود، اما در دوره گورکانیان بافت پارچه های تجملی گسترش یافت. قطعات پارچه های بر جا مانده از اوایل دوره ی گورکانی ساده هستند، اما نقوش گیاهی و گل ها در منسوجات قرن ۱۱ تا ۱۷ دیده می شود. نمونه هایی از منسوجاتی که از دوره «شاه جهان» باقی مانده اند، زمینه ی طلایی و نقره ای با گیاهان گلدار، دارند. تصاویر این پارچه ها که برای تهیه لوازم و البسه، مورد استفاده بودند، مکرراً در نقاشی های این دوره دیده می شوند (بلد، ۱۳۸۱: ۳۳۹).



شکل پارچه ی پنبه ای ماخذ: (Harris, 2006)

بافت انواع پارچه های زری و مخمل در این دوره تحت تاثیر پارچه بافی در جنوب ایران رونق یافت، به خصوص پارچه هایی که طرح آن ها شامل یک ردیف بوته های گل در تکرار متوالی یا تک شاخه های گل بود و این پارچه ها از پارچه هایی که در ایران تهیه می شدند به آسانی قابل تشخیص نبودند (کونل، ۱۳۶۸: ۲۲۴).

۱- ابوالفضل بن مبارک، معروف به ابوالفضل علامی یا ابوالفضل دکنی ادیب، تاریخ نگار و نشی اول و معتمد اکبرشاه، بزرگ ترین پادشاه گورکانی هند بود.



شکل پارچه ی مخمل ماخذ: (Dhamija, 1989)



شکل پارچه ی زربفت ماخذ: (Gillow, 1999)



مخمل ابریشم ایکات با زری دوزی ماخذ: (Crill, 1998)

- طرح و نقوش منسوجات هند (گورکائی)

تعدادی از طرح و نقش ها در طی چندین قرن، مشخصه ی منسوجات هندی شده است این طرح ها برای تزئین به کار رفته اند و وابستگی نمادین بسیار قوی در افسانه ها و قصه های هندی دارند. آن ها در اصل دو نقش ایفاء می کنند. زیبایی ظاهری بافته و بستری برای انتقال روح فرهنگی. بر اساس اسناد موجود، تبادلات هنر و هنرمندان ایرانی و هند در دوره های مختلف تاریخی صورت گرفته است و نتیجه ی این تأثیرات، هم اکنون نیز قابل رویت و بررسی است. در هنر ایران، صحنه های شکار، حیوانات، به صورت واقعی و تجریری نمایش داده می شد. تصورات ایرانیان در اشعار و ادبیات نظیر فرشتگان و باغ های بهشتی، درختان و پرندگان روی منسوجات بافته می شد که این نقوش و بافته ها در دربار هند نیز رواج یافت. جلوه های بارز تأثیر انواع هنر ایرانی (خصوصاً طراحی آثار) بر منسوجات هندی، با مرور نقش و طرح های پارچه های هندی نمایان می گردد. سابقه ی طولانی هندوستان در زمینه ی پارچه بافی به انضمام نزدیکی سلیقه و ذائقه ی هنری در دو فرهنگ ایران و هنر، زمینه ی خوبی برای ایجاد ارتباط هنری به وجود آورده و باعث بالندگی و شکوفایی شده است. براساس طبقه بندی طرح و نقش مایه در منسوجات هندی میتوان دو تقسیم بندی را در نظر گرفت:

تقسیم بندی ساختاری:

در گروه اول انواع ساختار طرح ها عبارتند از:

فرم شمسه یا ترنج دار:

زمینه ی دست بافته در مرکز، طرحی عموماً گرد (فرم شمسه) و تزئینات مختلف و پراکنده یا منظم در اطراف آن دارد. این چهارچوب گاهی با لچک کامل می شود و گاه تنها شمسه در مرکز پارچه، خودنمایی می کند.



شکل نقش لچک ترنج بر روی پارچه گورکانی ماخذ: Khalili, 2008, 152

تقسیم بندی شبکه ای

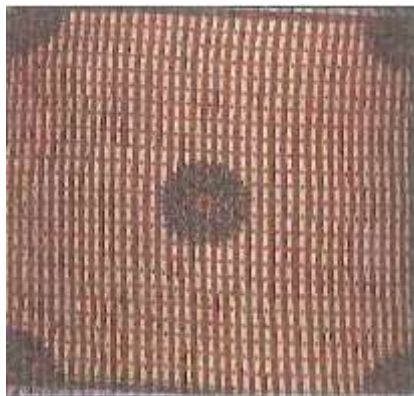
در این گروه، زمینه ی پارچه به تمامی دارای تقسیم بندی هایی به اشکال مختلفی از قبیل شش ضلعی، لوزی، مربعی، یا شکل های دیگر است که درون هر کدام از آن ها تزئیناتی مشابه یا متفاوت به چشم می خورد. این تقسیم بندی گاه به صورت خطی مشخص است و گاه از طریق به کارگیری فرم ها یا خطوط تزئین دار، شکل گرفته است.



شکل شال محرمات پشمی، کشمیر، سده ۱۷ م، ماخذ: عناویان، ۱۳۸۶، ۹۸

محرمات

نقش آشنای محرمات با راه های نسبتاً باریک عمودی در منسوجات هندی، مانند قالی ها و منسوجات ایرانی به کار رفته است. در این ساختار تزئینی، نوارهای باریک یا بسیار باریک با زمینه ی رنگ های متفاوت (اغلب دو رنگ متضاد یا سه و چهار رنگ مختلف) بسته ی برای تزئینات هستند. تزئینات گاه مشابه و بعضاً متفاوتند.



شکل محرمات ماخذ: (Pathak, 2003)

سراسری

در این گروه یک نقش مایه (عموماً فرم تبه) به طور سراسری سطح پارچه را تزیین می کند. قدمت کاربرد فرم تبه در تزیین آثار هنری در ایران به دوره ی هخامنشی می رسد و طبیعی است که با توجه به تفاوت اصول زیبایی شناسی در مقاطع زمانی مختلف و هم چنین نوع مواد اولیه، ظرافت ها و جزئیات مختلفی در این گروه دیده می شود.



شکل شال پشمینه ماخذ: (Pathak, 2003)

محرابی

در این گروه که استفاده از آن در شیوه ی قلمکار هند رواج دارد، ساختار کلی مشابه منسوجات، قالی های دست بافت یا کاشی های هفت رنگ ایرانی است.



شکل پرده مخمل شاید آمیخته از سبک هندی و ایرانی، سده ۱۱ ه . ق، ماخذ: ولش، ۱۳۸۵، ۴۹



شکل دیوارکوب نخی با نقش محرابی، سوزن دوزی با ابریشم ۱۷۰۰-۱۶۵۰ م، هند، ماخذ: Khalili, 2008, 105

تقسیم بندی نقش مایه ای

نقش مایه های مورد استفاده در منسوجات هندی از تنوع فراوانی برخوردار است. این نقش مایه ها نیز در چند گروه، نقوش تزئینی، نقوش گیاهی، نقوش جانوری و نقوش انسانی (فیگورها) تکرار می شود. از نقش مایه های تزئینی، خطوط زیگزاگی، هلال ماه، خورشید و نقش مایه هایی که در هنر ایرانی با نام هندسه نقوش یا گروه های هندسی شناخته شده اند، را می توان نام برد. نقوش گیاهی نیز در بر گیرنده ی نقش مایه هایی چون انواع بوته ی گل (چند گل با تک گل)، انواع بوته جقه، ساقه های گردان و هم چنین اسلیمی هاست. در شال های کشمیری نقش ردیف گیاهان با پرندگان و درخت زندگی از نقوش ایرانی متداول است. نقوش جانوری نیز شامل جانوران اساطیری چون گریفین، انواع پرندگان انواع حیوانات غیر اهلی مثل آهو، فیل، شیر، ببر، پلنگ و حیوانات اهلی نظیر گاو و اسب است. نقوش تصویری انسانی نیز گروه دیگری از نقش مایه های مطرح و شمایه در آثار نساجی ایران و هند هستند که مکرراً استفاده شده اند. این نقوش تصاویری از مردان و زنان را نشان می دهند. ترکیب بمدی طرح ها در انواع مختلف منسوجات، متفاوت و به صورت منفرد یا تلفیقی از انواع نقش مایه ها در ساختارهای گوناگون است.



شکل رومال های رودوزی شده ماخذ: (Gillow, 1999)

بررسی تطبیقی پارچه های ساسانی و گورکانی هند

بررسی نقش مایه های به کار رفته در پارچه های ساسانی و گورکانی موضوع این بخش است. همان طور که اشاره شده پارچه های ساسانی با نقشمایه های مانند گل و گیاهان، هندسی، و پیکره های انسانی و حیوانی، طراحی می شوند. پارچه های

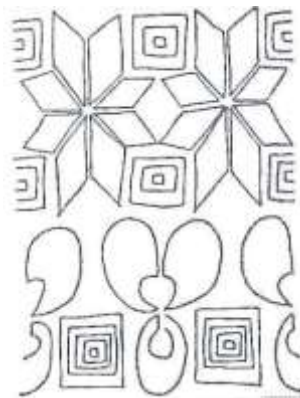
گورکانی نیز با نقش مایه های گیاهی، هندسی، انسانی و حیوانی تزیین می شدند. از این رو در این جا، نمونه ها در دو گروه نقش مایه های گیاهی شامل گل ها، برگ ها و درختچه ها نقشمایه های انسانی و حیوانی بررسی می شود.

کاربرد نقش مایه های گیاهی دوران ساسانی

این گروه بخش وسیعی از نقوش به کار رفته در پارچه های ساسانی و گورکانی را با تنوعی وسیع به خود اختصاص می دهد. انواع نقوش گیاهی و تزئینی ساده که ریشه در امپراتوری های هخامنشی و اشکانی داشت. گیاهان مورد استفاده معمولاً عبارت بودند از: سه برگی، گل با گلبرگ قلبی شکل، گل چهارپر، ذرت و ... که به صورت تک در سطح پارچه و یا به صورت ردیفی در حاشیه لباس استفاده می شدند نقش درخت زندگی با مفهوم نمادین جاودانگی و بی برگر و نیز آشیان سیمرغ که از مهم ترین نقوش مذهبی مورد استفاده در بافته های ساسانی است. نمونه ای از پارچه با طرح گل از روبرو و پرنده در موزه دولتی برلین نگهداری می شود ولی طرح آن چندان گرد نبود.



شکل پارچه با نقش گل پرپر - ۶ تا ۸ م - (pope. Pl. 198b)



شکل پارچه با نقوش گیاهی و هندسی - ۶ تا ۸ میلادی (yokoharip. 88)



شکل پارچه با نقش پرنده و گل نخل - (pope. P. 695)

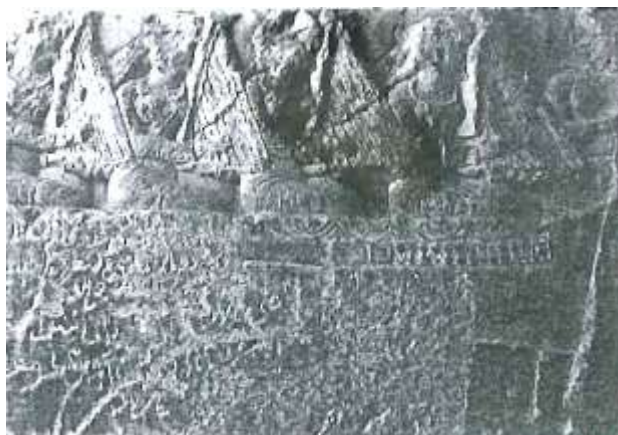


شکل پارچه ابریشمی با ترتیب زیگزاگ - مصر (Fukai fig 52)

نمونه دیگری از پارچه های ساسانی در آستانا در آسیای مرکزی کشف شده است. در روی این پارچه نقش گل درون ساقه ای از دواير متوالی دیده می شود. اگرچه این نقوش مانند نشانه های خانوادگی هستند، ولی هنوز امکان یافتن خطوط حکاکی شده ساقه ی پیچک مشابه آنچه که در نقش برجسته دیوار جلوئی طاق بزرگ دیده می شود، وجود دارد. بسیاری از طرح های پارچه نوع ساسانی، دارای نقوش مدور ترکیبی شبیه درخت زندگی است که در میان یک جفت حیوان یا انسان است. ولی این نقش ترکیبی در طاق بستان یافت نمی شود که خود دلیلی بر رواج آن در دوره های بعدی است.

نقش گل با چهار گلبرگ قلبی شکل که این نقش با طرح های متنوع یکی از نقوش اصلی گیاهی در صحنه شکار گراز است. به طور کلی میتوان گفت که گل های قلبی شکل در اصل گل رز و گل چهار پر بوده اند که اغلب در شرق یافت می شوند و تاریخ نخستین نمونه آن به حدود سده سوم تا دوم پیش از میلاد بر می گردد.

موتیف درخت مو که بدور گل شکفته ای حلقه زده است، جامه زنان نوازنده را زینت بخشیده است. طرح پیوسته مشابهی روی فرش قایق نوازندگان و حاشیه یقه و سر آستیم لباس فرشته های بالدار، نمای بیرونی طاق بستان دیده می شود، در دوره پارتی چنین نقوشی مکرراً برای تزیین حاشیه لباس ها و نقش برجسته ها به کار می رفتند.



شکل قایق نوازندگان و نقش قالی لبه قایق

به طور کلی نقوش گیاهی در صحنه شکار گراز طرح های ساده ای هستند و سندی برای اثبات وجود چنین گیاهانی در دست نیست. این نقوش گیاهی بعنوان تزئین کلی منحصرأ روی لباس های شاه و نوازندگان، بکار رفته اند و کمتر از نقوش حیوانی تکرار شده اند. در زمان ساخت طاق بستان به نظر می رسد که به جای بافتن گل ها آن ها را گلدوزی می کردند.

کاربرد نقش مایه های گیاهی دوران گورکانی هند

اشکال مختلف گل بوته ها، نخل ها، نیلوفر آبی، برگ مو، انار و شاخ و برگ های گیاهی در تزئینات پارچه های هندی کاربرد زیادی دارند. نقش سرو و هم چنین درخت نشانه ای از جاودانگی و زندگی دائمی در هند می باشد. این نقوش به صورت منفرد و مستقل و گاهی نیز در ترکیب با سایر نگاره ها به کار رفته است همچنین نقوش اسلیمی باغچه، گل، شاخ و برگ گیاهان به وفور استفاده می شود- شکل اصلی آن را شاخه های دورانی در میان برگ ها تشکیل می دهد که اغلب با آرایه ختایی همراه است، مانند اسلیمی ماریچ.

نمونه مشابه بالاپوش گورکانی، متعلق به عصر سلطنت جهانگیر است که بر آن نقوش باغچه های ظریف هنرمندان گجراتی از ابریشم سوزن دوزی شده است. رنگ های ملایم و هم خانواده آن تاثیر هنر ایرانی را نشان می دهد اما طبیعت، گیاه و حیوان، اجرای بسیار واقع گرایی دارند که مختص هندی ها است. همچنین بر روی آن هیچ تصویری از انسان دیده نمی شود و حاشیه ای از گل ها و اسلیمی بر لبه آن سوزن دوزی شده است. طراحی آن به ویه صحنه شکار آهو توسط پلنگ و لک لک ایرانی است. این بالاپوش به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن تعلق دارد. (عزوی، ۱۳۸۵: ۱۶۸)



شکل بالاپوش شکار عهد جهانگیر مغول ۱۶۲۷-۱۶۰۵ م. اطلس سوزن دوزی شده با ابریشم موزه ویکتوریا و آلبرت لندن

نقش های اسلیمی با توجه به تاثیر فرهنگ ایرانی و تداوم بیعت گرایي هنر گورکانی، در پارچه های بافته شده گورکانی نیز دیده می شود. نمونه ای در این مورد، پارچه ای متعلق به عصر شاه جهان می باشد که جنس این پارچه از پشم و کرک و ابریشم است.

زمینه این پارچه به رنگ قرمز لاکه و نقش آن نیز طرح مشبکی است که در هر واحد، نقوش گل شاه عباسی و گل های دیگر در بین اسلیمی ها قرار گرفته اند. در نمونه پارچه گورکانی اسلیمی حالتی انتزاعی دارد. دیگر رنگ های بکار رفته در این پارچه، کرم، سبز چمنی زرد و اکراست.

کاربرد گل شاه عباسی همجوار برگ ها، در خملی ابریشمی متعلق به اصفهان اواخر سده یازدهم هـ- ق- هفدهم دیده می شود این پارچه که زمینه ای کرم رنگ و نقش طرح مشبکی را دارد. در هر واحد آن چهار برگ، دو غنچه، دو گل چار پر قرمز رنگ با پیچک هایی به یکدیگر وصل شده و درون آن ها گل های شاه عباسی قرار دارند.

دیگر رنگ های مورد استفاده در این پارچه، قرمز، نارنجی، سبز، سیاه متمایل به سرمه ای است. طرح و نقش این پارچه در تزئین پوشش یکی از پیکره های موجود در نقاشی به جا مانده از یکی از هنرمندان ایرانی، نیز دیده می شود. این پارچه، در مجموعه دیوید در کینهاک دانمارک نگه داری می شود.



شکل پارچه با نقش های گل های شاه عباسی و اسلیمی عصر شاه جهان سده ۱۶۵۸-۱۶۲۸ م. ماخذ: (pardon, 1996)

کاربرد نقش مایه های حیوانی دوران ساسانی

نقوش حیوانی که به دو دسته پرندگان و جانوران قابل تقسیم هستند: بسیاری از پارچه های ساسانی با نقش پرندگان تزئین یافته اند که در متون مقدس مانند اوستا برخوردار از نوعی زیبایی ظاهری و باطنی شمرده شده اند. پرندگان اساطیری چون سیمرغ که خوش یمن، نجات بخش و عطا کننده فر الهی بوده، فقط برای لباس پادشاهان تا پرندگانی چون طاووس پرند بهشت ایرانی، خروس نوید دهنده روشنایی و الهه خوش اقبالی، عقاب، مرغابی و ... در بافته ها استفاده شده است نقش عقاب خود از نقوش سنتی آثار هنری، به ویژه در منش های هنری بوده است.

نقوش جانوران افسانه ای چون اسب بالدار و یا حیوانات معمولی چون گراز، نشانه ی خدای پیروزی، شیر مظهري از میترا الهه عهد و پیمان، قوچ نماد شاهی و فره و بز به عنوان نگهبان درخت زندگی در منسوجات ساسانی کاربرد داشته اند.

نقش گوسفند بال دار در حال راه رفتن و با جزئیات ناتمام از پهلوی ترسیم شد، که این نقش در دو ردیف و در دو سطح بالا و پائین تنظیم شده است در یکی از سطوح گوسفند به جهت مخالف نگاه می کند این ترتیب شبیه نظم پارچه ای است که از آنتی نوئه در مصر کشف شده است.



شکل بازسازی نقش اسب بالدار (آلبانوم تصویر ۵۳)

نقش سر گراز نه تنها در گچ بری های دوره متاخر ساسانی دیده می شود بلکه در طرح های پارچه همان دوره نیز بکار رفته است. در نقاشی دیواری افراسیاب، این نقش بر روی لباسها نشان داده شده است.



شکل بازسازی سیمرخ روی لباس خسر پرویز در خاتمه تیراندازی (تابستان ۱۳۷۲)



شکل نقاشی دیواری افراسیاب (آلبانوم: ۳۰)



شکل نقش و رنگ لباس در گومن و همراهان او نقاشی دیواری افراسیاب (آلباتوم: ۶)

پارچه ای دیگر در این دوران که نقش اصلی پارچه تکرار دو شیر متقارن است که در دو سوی درخت زندگی ایستاده و در یک قاب با سه حاشیه تزئینی (مروارید، زنجیر و دالبردار) محاط شده اند. پیرامون این دواير با حیوانات وحشی، برگ، انار محاط در دایره و بوته گل تزئین شده است. در این پارچه دو شیر ایستاده و غیرطبیعی را که در برابر یک نخل بر روی یکدیگر قرار گرفته اند، در قاب های دایره وار نشان می دهد. اگر هنرمندان ایران موضوع حیوانات را که در دو سوی درخت مقدس در برابر هم قرار گرفته اند، از بابل و آشور اقتباس کرده بی دلیل نیست.



شکل پارچه با نقش شیران متقابل - سده ۹-۸ م - (Mazaheria.p.133)



شکل پارچه با نقش شیران متقابل - سده ۸-۹ م. گیدشمن ج ۲، ص ۲۳۲، تصویر (۲۸۳)

در پارچه ای با نقش خروس که این پارچه دارای نقوشی است که خطوط آن کاملاً هندسی است. بر روی زمینه زرد طلایی یک خروس نمایان است که هاله ای بر سر دارد. قاب های دیواره وار از یکدیگر جدا هستند و در فضای واقع بین بخش های پی در پی، ترنج ها و گل برگ های ترکیبی تلفیق زیبایی از رنگ های سرخ و آبی به وجود می آورند شکل خروس در این نقش بسیار دقیق طراحی شده است.



شکل پارچه با نقش خروس - سده ۶-۷ م - (poprol.7.pl.201c)



شکل پارچه با نقش خروس - سده ۸ م - (Hofkunts van de sassanieden Brussl 1993. pl.129)

پارچه ای با نقش سیمرغ در قاب های حاشیه مروارید نشان بافته شده است و دارای زمینه سبز تیره و نقش های سبز روشن.



شکل خفتان با نقش سیمرغ- سده ۹ میلادی- موزه ارمیتاژ

کاربرد نقش مایه های حیوانی و رنسانی گورکانی هند

این گروه نقشمایه شامل تصویر شکارگران با ابزارآلات مربوط به شکار، یا حیوانات درنده در حال جدال می باشد. لباس های غالب افراد در این گونه تصاویر از انواع لباس های فاخر و مخصوص درباریان است. (طالب پور، ۱۳۸۶: ۱۳۵) از جمله نمونه های بدست آمده از این گروه، پارچه ای مخمل با نخ های فلزی متعلق به سده ۱۰ ه.ق- ۱۶ م است، که در مجموعه کلی نگه داری می شود. طرح این تصویر دو فرد در کنار درخت دیده می شود در حالتی که یکی از آن ها دارای جامه ای فاخر با کلاهی به سبک قزلباش ها و پرنده ای (قوش) است که روی دست او نشسته و دیگری در کسوت ملازم آن فرد است. در این نمونه تصویر یک قوش باز یا کسی که شاهین شکار می کند. نشان داده شده است.



شکل مخمل ابریشمی با نقش برجسته قوش باز و گل شش پر، سده دهم هـ ق موزه منسوجات واشنگتن، شماره ۳/۲۱۹

از دیگر نمونه هایی که به خوبی میتوان تاثیر هنر نگارگری را بر نقوش پارچه ها مشاهده کرد، پارچه ای ابریشمی متعلق به میانه سده ۱۰ ه.ق- ۱۶ م است. نقوش بر روی پارچه قلاب دوزی شده و طرح آن مجلس بزمی با شکوه را نشان می دهد. در مرکز تصویر، باغی با شکوه با درختان بی شمار، حوض و جوی آب طراحی شده که در بخش بالای آن مردی نشسته بر روی

درخت، همراه با ملازمان در اطراف تخت دیده می شوند. همچنین در بخش پایین نیز افراد دیگری مشغول بزم و شادی هستند. در حاشیه بزرگ آن، تصویر فرشته های بسیاری در حالی که آن ها نیز مشغول شادی و سرو رند، بافته شده اند. نوع پوشش افراد با لباس های فاخر و کلاه های قزلباش، همچنین ترکیب کلی این اثر بسیار شبیه به نگاره های دوران ساسانی است. نقش سیمرغ و اژدها در قسمت لچکی مرکز پارچه و دیگر جانوران اسطوره ای که در حاشیه کوچک بافته شده اند این فرضیه را به ذهن متبادر می کند که شاید اقتباسی از داستان های شاهنامه باشد. (کنبای، ۱۳۷۸: ۵۷)



شکل مجلس بزم بر یک پارچه ابریشمی، سده ۱۰ ه.ق - ۱۶ م. تبریز، اخذ: (Bunt, 1963, 47)

پارچه نخعی قلم کار با طرح ترنج در مرکز که دور تا دور آن انسان هایی در حال بزم در باغی باشکوه با درختان بسیار هستند. بر بالای ترنج پادشاه نشسته و اطرافش مردان و زنانی در حال بزم دیده می شوند و در پایین نیز صحنه شکار وجود دارد. در سراسر این پارچه نقوش گیاهی و درخت پراکنده شده و حیواناتی نظیر فیل، اسب و آهو قابل مشاهده است.



شکل مجلس بزم به در یک پارچه قلم کاری هندی، گلکنده، ۱۶۲۵ م. ماخذ: (Chisti, 2000, 22)



در تصویر بالا رنگ های بکار رفته در این پارچه قرمز، زرد، سبز، و ... می باشد. در تصاویر منقوش با پیکره های هند، تقارن و توالی در تکرار دیده نمی شود. وضعیت روایی و اهمیت آن ها، مکان و فضای لازم برای هر پیکره را تعیین کرده است. در

مجموع ترکیب بندی عناصر از قوانین خاصی پیروی نمی کنند و برخلاف نقوش ایرانی، در موضوعات روایی سعی شده تا حداقل در حاشیه ها از تکرار و تقارن استفاده شود.

جدول بررسی نقوش پارچه های گورکانی

توضیحات	هند- گورکانی	نقوش
<p>گل و گیاهان در آثار پارچه های هند نقش قابل توجهی دارد و نقش درخت نقش پرکاربردی در پارچه های هند و ایران بوده است.</p>		گیاهی
<p>تصویر انسان و حضور شاه و اشراف در جشن یا صحنه های شکار در هنر پارچه بافی هر دو کشور و در این دو دوره رواج بسیار یافت.</p>	 <p>ابریشم با نقش بانوان در میان درختان سرو و گلهای، khalili.2008,189 م، ۱۷-۱۶ ماخذ/م</p> <p>ابریشم با تصویر مرد ایستاده، سده ۱۶ م، khalili,2008,172 ماخذ</p>	انسانی
<p>طاووس به عنوان نماد حیات و زندگی، که در هنرهای مختلف از جمله پارچه بافی میتوان حضور آن را مشاهده کرد.</p>	 <p>جزیی از یک آویز چیت، هند، تهیه شده برای بازار اروپایی، ۱۷۰۰ م، مزین به نقوش طاووس، طوطی، سنجاقک، پروانه، گوزن، سگ و انسان و غیره بر زمینه</p>	حیوانی- طاووس

	<p>شلوغ گیاهان، ماخذ: khalili, 2008, 163</p>	
<p>فیل از نقوشی است که هم در دوره ساسانی بکار رفته است.</p>	 <p>نقش فیل بر پارچه گورکانی، ماخذ: Chisti, 2000,22</p>	<p>فیل</p>
<p>حیوانات اساطیری همچون اژدها و سیمرغ در پارچه های ایرانی بخصوص در دوره ساسانی بسیار دیده شده است حضور سیمرغ برای اولین بار در طاق بستان و منحصرأ روی لباس شاه ترسیم شده است. و یک نمونه از پارچه های هندی نیز مزین به اژدها و سیمرغ شده است.</p>		<p>حیوانی - سیمرغ و اژدها</p>
<p>اسب از حیوانات پرکاربرد در تزئین پارچه ها بخصوص در دوره های ساسانی و گورکانی می باشد- در تصویر پارچه گورکانی اسب با اسب سوار در کنار گل و گیاهان دیده می شود و در پارچه ساسانی اسب بالدار می باشد که بازسازی شده است.</p>	 <p>نقش اسب سوار در حال شکار، ماخذ: Chisti, 2000,22</p>	<p>حیوانی - اسب</p>
<p>اسلیمی ها نیز همچون شبکه های هندسی عموماً نقش اتصالی در زمینه پارچه دارند و گاهی نیز به همراه شبکه ها در محیط داخل یا خارج اشکال هندسی دیده می شود. پر کردن زمینه نیز از دیگر دلایل به کارگیری انی نقشمایه است.</p>	 <p>نقش اسلیمی و ختایی بر روی پارچه، ماخذ: Purdon, 1996,34</p>	<p>انواع نقوش - اسلیمی</p>

<p>این طرح در پارچه گورکانی در ابریشم های ایرانی نیز دیده شده است و در شال های کشمیر به صورت سه یا چهار گل تکرار شده است که درون هر شبکه را پر می کند.</p>	 <p>شال بندی یا خشتی کشمیر، سده ۱۷ م، ماخذ: عناویان، ۱۳۸۶، ۸۷</p>	<p>نقوش - شبکه های هندسی</p>
<p>صحنه شکار در دوران ساسانی معمولاً شکار گراز می باشد که در این صحنه شکار سه گراز است. و مضمون شکار در پارچه های هر دو دوره می توان ملاحظه نمود.</p>	 <p>مضمون شکار، ماخذ Chisti, 200, 25</p>	<p>مضامین نقوش - شکار</p>

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش تحلیلی - توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای می باشد. کتب و مقالات مورد بررسی در این زمینه به اختصار بیان می گردد. کتاب هنر هند و ایرانی - هند و اسلامی از مادین هالاید، هرمان گوتس و ترجمه و تدوین از دکتر یعقوب آژند که در مورد بازتاب های هنرمند و ایرانی در زمینه های مختلف را مورد بررسی قرار می دهد. کتاب طرح ها و نقوش لباس ها و بافته های ساسانی از محمدرضا ریاضی که در این کتاب طرح ها و نقش های پارچه ها و لباس های ساسانی را به طور کامل مورد بررسی و تحقیق قرار می دهد. کتاب منسوجات سنتی هند از دکتر فریده طالب پور که در این کتاب هم منسوجات هندی به طور کامل در دوره های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد. کتاب منسوجات اسلامی از پاتریشیا بیکر ترجمه دکتر مهناز شایسته فر که در این کتاب منسوجات دوره های مختلف کشورهای اسلامی از جمله ایران و هند مورد مطالعه قرار می گیرد. مریم خلیل زاده و ابوالفضل صادق پور (۱۳۹۰) در پژوهش با عنوان بررسی تطبیقی نقوش پارچه های صنوی و گورکانی با روش مبتنی بر بررسی های کتابخانه ای و تحلیلی - توصیفی، مختصراً به مقایسه تطبیقی این دو دوره پرداختند. فریناز فربود، محمدرضا پورجعفر (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی به چگونگی تاثیر بافته های ساسانی بر منسوجات بیزانس پرداختند.

نتیجه گیری

پادشاهان گورکانی هند، ایران را وطن دوم خود می دانستند و انسی عمق با زبان و فرهنگ ایرانی احساس می کردند. در نتیجه با اتکاء به بن مایه های هنر ایرانی و پیوند آن با هنر اصیل بومی هند به حمایت گسترده ای از فرهنگ و هنر در سرزمین هند دست زدند. پیشینه ی ارتباط فرهنگی و سیاسی و تجاری هند و ایران به پیش از اسلام بر می گردد و این تعامل در برخی دوره ها از جمله ساسانی بسیار قابل ملاحظه است. دین مساله موجبات تلافی فرهنگ و ایجاد رابطه تاثیر و تاثیری در هنرهای این دو منطقه به ویژه در منسوجات را فراهم آورده است، به طوری که در بسیاری از موارد هنرمندان این دو کشور به منظور کار، یادگیری و آموزش فنون بومی به کشورهای هم سفر می کردند. براساس مستندات بافندگان هندی در دوران ساسانی از

شهرهای بهاروچ، منداسور و پیتن دعوت می شدند تا در کارگاههای درباری جندی شاپور، شوش و شوشتر به کار گرفته شوند.

استفاده از مضامین حیوانی و گیاهی در بافته ها در دوران ساسانی باعث گسترش این گونه نقوش در پارچه بافی این دوران گردید. در نتیجه بعدها، بازتاب آن در پارچه های دوران گورکانی نیز به وضوح قابل ملاحظه است. با توجه به موارد بیان شده و مقایسه تصویری و ساختاری میان نمونه های به جا مانده از منسوجات این دو دوره به سهولت می توان مشاهده نمود که صنعت پارچه بافی ایران به تبع آن، نقوش پارچه ها، مضامین و ترکیب بندی آنها در زمینه های مختلف بر هنر و صنعت نساجی هند تاثیرگذار بوده است.

در زمینه نقوش، می توان گفت که اکثر نقوش منسوجات هند در پایه و بنیاد نقوش ایرانی هستند که گاه در قالب تکرار مجدد و گاه با اندکی تغییر در جزئیات در تمدن هند مورد استفاده قرار گرفته اند. اکثر مضامین های موجود در پارچه های ساسانی در منسوجات هندی به وضوح قابل رویت هستند. ترکیب بندی و استفاده از رنگ ها و طرح های پارچه هر دو تمدن دارای نقاط مشترکی هستند که در جای خود به بحث پرداختیم. در نتیجه می توان گفت که هنرمندان و صنعتگران هندی با اقتباس از آثار ایرانی زبان هندی جدیدی را در آثار خود به کار برده اند. پیشنهاد برای استفاده از طرح ها و المان های در حال بررسی به این صورت می باشد که می توان آن را در لباس های اسلامی و غرب جامعه به کار برد، چه در زمینه مدل لباس و چه در زمینه طراحی و دوخت آن. همچنین طرح ها و نقش های موجود در این دوره چون ارتباط بین دو کشور ایران و هند را نشان می دهد، در نتیجه میتوان در سطح وسیع تری از آن به کار برده شود.

منابع

- دیماند، س.م، راهنمای صنایع دستی، ترجمه عبدا... فریاد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵.
- طالب پورف فریده، تاریخ پارچه نساجی در ایران، دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۸۶.
- عناویان، رحیم، ترمه های سلطنتی ایران و کش میر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۶.
- غروی، مهدی، جادوی رنگ (مقدمه ای بر روابط هنری ایران و هند)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
- کنبای، شیلا، عصر طلایی هنر ایران، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۷.
- گاردنر، هلن (۱۳۷۹). هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، انتشارات نگاه و آگاه، تهران.
- گرانوسکی و دیگران (۱۳۵۹). تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، انتشارات پویش، تهران.
- گیرشمن، رومان (۱۳۵۰). هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی، ترجمه بهران فرهوشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- یلر، شیلا و جاناتان بلوم، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، سروش، تهران، ۱۳۸۱.
- Barber , E.G.W (1991), Prehistoric Textile, Princeton University Press, Newjersey.
- Beckwith, John(1979), Early Christian and Byzantine Art, New York: Penguin Books.New York.
- Bloom, Jonathan and Blair, Sheila, Islamic Arts, Phaidon, Landin, Bunt, Cyril G.E, Persian fabrics, London, 1963.
- Chishti, Rta Kapur and Rahul, JainHandcrafted Indian Textiles, Roli Books, 2000.
- Cormack Robin (2000), Byzantine Art, Oxford History of Art, (Google Book Search).
- Dhamjia, Jasleen and Jain,jyotindra, Handwoven Fabrics of India, Ahmed Abed, Granth corporation, 1989.
- Gillow John and Bamard.Nicholas, Traditional Indian Textiles, Thames and Hudson,London,1996.
- Hariss, Jennifer, 5000 years of textiles, British Museum, London, 1993.

- Khalili, Nasser, Islamic Art and Culture, London, 2008.
Nicholas Purdon, Carpet and Textile Patterns, London, 1966.
P.Matthee Rudolph (1999), The Politics of Trade in Safavidiran :Silk for Silver, Cambridge University Press(Google Book Search).
Pop, Arthur Upham (1960), A Survey of Persian Art, Oxford university Press, vol;l, part 2.
Shepherd, D.G and W.Hening(1999), Zandaniji Identified, from the Early Islamic Art and Architecture, by: Jonathan Bloom, Burlington.
Spuhler, Fridrich, Islamic carpets and textiles in the keir collection, Farberandfaberlimited, London,1987.